

به نام خدا

کلاس پرونده: ۱۰۹۵/۸۵ ح ۱ شعبه اول حقوقی دادگستری نیشابور

خواهانها: آقای خ - ح و غیره

خواندگان: آقای م - ح و غیره

خواسته: نفی ولد - اثبات نسب

خواهانها در دادخواست، تقاضای صدور حکم نسبی بر نفی ولد از خواندگان و اثبات نسب

به خواهانها و در شرح دادخواست اظهار نموده اند که اینجانبان خواهانهای فوق برابر با

شناسنامه در تاریخ ۶۵/۲/۹ در دفتر رسمی ثبت ازدواج شماره ۲۹ حوزه نیشابور به عقد

دائم یکدیگر در آمده ایم و حاصل زندگی مشترکمان سه فرزند به نامهای طاهره ۱۵ ساله و

کبری ۱۴ ساله و رضا ۸ ساله می باشد. حالیه در زمانی که فرزندان اینجانب متولد شده اند

اینجانبان فاقد شناسنامه بودیم به صورتیکه شناسنامه های خود را مفقود نموده بودیم و با

مراجعه به اداره ثبت احوال می بایست المثنی دریافت می نمودیم متتبعی چون فرزندان

اینجانبان نیاز به شناسنامه داشته اند و از جهت تحصیل می بایست مشکلی برایشان به وجود

نمی آمد نام فرزندان خود را در شناسنامه خواندگان فوق اند که پدر و مادر اینجانب

خواهان ردیف اول می باشند ثبت نمائیم. لذا در حال حاضر شناسنامه هایمان را پیدا نموده

ایم به همین منظور می بایست نام فرزندان خود را در شناسنامه هایمان ثبت نمائیم.

وقت رسیدگی توسط دفتر مورخه ۸۵/۴/۲۱ تعیین شده است و وقت جلسه دادرسی به خواهانها حضوراً ابلاغ شده است در وقت مقرر طرفین دعوا حضور دارند. خواهانها اظهار می دارند که خواسته به شرح متن دادخواست تقدیم است.

و خواندگان اظهار نموده اند که قبول دادیم که فرزندان معرفی شده فرزندان واقعی نیستند و هیچ گونه اعتراضی نداریم. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رأی نموده است.

شماره دادنامه: ۱۵۳۴/۳۰۰-۸۵/۴/۲۱ رای دادگاه:

در خصوص دادخواهی ۱- آقای خداداد حاتمی. ۲- خانم مریم عبداللهی به طرفیت ۱- آقای مراد علی حاتمی ۲- خانم صدیقه ابراهیمی به خواسته صدور حکم مبنی بر نفی ولد از خواندگان و اثبات نسب به خواهانها، دادگاه با توجه به اینکه نسبت به موضوع، اداره ثبت احوال ذی نفع محسوب می گردد و خواهانها لازم بوده دعوی خود را به طرفیت خواندگان و اداره ثبت مطرح نمایند و لیکن اداره ثبت بعنوان خواننده در پرونده حاضر نشده بنابراین

دادخواست و جاهت قانونی نداشته و به استناد ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهانها را صادر و اعلام می نماید قرار صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی می باشد.

دادنامه طبق ماده ۶۸ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ گردیده و از این رای دادگاه تجدید نظر خواهی صورت نگرفته اند رای قطعی شده است

نظریه کارآموز:

خواهانها در مورخه ۸۵/۲/۹ با هم ازدواج نموده اند و حاصل زندگی مشترک سه فرزند ۱۵

ساله و ۱۴ ساله و ۸ ساله می باشد یعنی فرزند بزرگتر در سال ۱۳۷۰ متولد شده است. به

نحوی می توان استنباط نمود که زوجها مدت ۲۰ سال بدون شناسنامه بودند در حالی که

چنین امر ناممکن نیست*** نسبت به ثبت فرزندان در شناسنامه های خودشان را تقاضا

نموده و از طرفی در دادخواست قید نشده که از چه زمانی شناسنامه های خواهانها پیدا و یا

المثنی صادر شده است چون در این موضوع، اداره ثبت احوال نیشابور ذی نفع می باشد و

باید دادخواست به طرفیت خواندگان و اداره ثبت احوال دعوی خود را مطرح نماید لذا به

استناد ماده ۲ قانون آئین دادرسی قرار رد دعوی خوانها را صادر نموده به نظریه کارآموز

رای دادگاه در این مورد صحیح صادر و اعلام شده است.

کلاس پرونده: ۱۰۸۸/۸۵ ح ۱ شعبه اول حقوقی دادگستری نیشابور

خواهان: خانم پ- ب

خوانده: آقای م- ب

خواسته: ثبت واقعه ازدواج

خواهان در دادخواست خود تقاضای صدور حکم الزام خوانده به ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی را نموده است و بیان داشته که اینجانب طبق عقدنامه عادی مورخه ۸۳/۲/۲۰ همسر خوانده می باشم که با شرایط مندرج از عقدنامه به عقد دائم خود در آورده ولی تا کنون جهت ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی اقدام ننموده است.

دلایل *** دادخواست، فتوکپی مصدق عقدنامه عادی مورخه ۸۳/۲/۲۰

آقای ابوالفضل دهنوی بعنوان وکیل معاضدتی وی انتخاب شده و به وکیل اختاریه طبق ماده ۶۸ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ نشده و به خوانده حضوراً ابلاغ شد. و به خواهان برگ اختاریه وفق ماده ۶۹ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ شده است.

در جلسه دادرسی مورخه ۸۵/۴/۲۰ وکیل خواهان حضور دارد ولی خوانده حضور نیافته است وکیل خواهان اظهار می دارد خواسته به شرح دادخواست تقدیمی است و تقاضای ثبت ازدواج مرا طبق سند عادی را دارد.

دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۸۵/۴/۲۱-۱۵۱۸/۲۸۴

رای دادگاه: در خصوص دعوی پروانه بگائی بوکالت آقای دهنوی به طرفیت آقای مسعود باقری بخواسته ثبت واقعه ازدواج طبق عقدنامه عادی دادگاه با توجه به دادخواهی خواهان و ملاحظه عقدنامه عادی و اینکه خوانده با اطلاع از وقت رسیدگی در دادگاه حاضر نشده و دفاعی به عمل نیاورده دعوی را وارد دانسته و با استناد به ماده ۱ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۲۰ و اصلاحات بعدی و ماده ۶۴۵ ق.م.اموری خوانده را به ثبت واقعه ازدواج وفق عقدنامه عادی محکوم می نماید رای صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ثبت قابل واخواهی از همین دادگاه می باشد.

نظریه کارآموز:

طبق ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی مدنی

مهلت واخواهی از احکام غیابی برای کسانی که مقیم کشورند بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی است در صورتی که در پرونده فوق الذکر در رای دادگاه ذکر شده که رای صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از رویت قابل واخواهی می باشد. بین دو عبارت «رویت» و «ابلاغ واقعی و یا قانونی» تفاوت چشمگیری وجود دارد به نحوی که اگر به طرف ابلاغ

واقعی شده باشد با کلمه رویت تقریباً یک معنا پیدا می کند ولی اگر ابلاغ قانونی شده باشد به نحوی که مثلاً به بستگان طرف ابلاغ شود و آنها متعهد شوند که به استحضار خواننده برسانند شاید مدتی طول بکشد مثلاً در روز مورخه ۸۵/۹/۱۴ به فلانی به نام آقای علی ابلاغ قانونی شده و تا زمانی که علی از ابلاغ اطلاع پیدا می کند دو هفته طول می کشد در

این صورت تجدید نظر خواهی خواننده از زمان روئیت محسوب می شود در حالی که ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م تجدید نظر خواهی را از زمان ابلاغ واقعی و یا قانونی ملحوظ شده است.

به نام خدا

کلاس پرونده: ۱۵۵۶/۸۵ ح ۱ شعبه اول حقوقی دادگستری نیشابور

خواهان: خانم، م- ه-

خواننده: آقای، ح ع

خواسته: تعیین تکلیف

وکیل خواهان در دادخواست، دعوی موکله به شرح آتی مطرح نموده. ۱- برابر مندرجات

سند ازدواج موکله از تاریخ ۸۳/۴/۱۰ به عقد ازدواج رسمی خواننده در آمده است ۲-

خواننده محترم موکله را از تاریخ عقد تا کنون بلا تکلیف کما فی السابق در خانه پدری

گذاشته و حاضر به بردن موکله به خانه خود و شروع زندگی زناشویی نشده است. ۳-

بلا تکلیفی و سرگردانی موکله موجب هتک حرمت و حیثیت خانوادگی موکله گردیده است.

۴- برابر عرف حاکم بر جامعه که کاملاً پسندیده بوده و با مقررات شرعی نیز همخوانی

دارد، شوهر می بایستی اقدام به برگزاری مجلس عروسی در حد شئون دو خانواده بنماید که

متأسفانه خواننده از انجام این تاکنون استنکاف و ندیده است.

با عنایت به مراتب بالا و مستنداً به مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی توکیلاً صدور حکم به الزام خوانده به تهیه مسکن و اثاث البیت مناسب و بردن همسر به خانه خود همراه با برگزاری مراسم عروسی را تقاضای رسیدگی نموده است.

دلایل و منضمات دادخواست: ۱- رونوشت سند ازدواج ۲- رونوشت دادنامه شماره ۸۴/۱۲/۱۴-۳- وکالتنامه وکیل رئیس دادگستری نیشابور پرونده را به شعبه اول حقوقی ارجاع داده است. و شعبه اول به دفتر اعلام نموده که وقت رسیدگی تعیین و به طرفین اصحاب دعوی ارسال گردد.

دفتر وقت رسیدگی را مورخه ۸۵/۵/۲۳ تعیین کرده و به وکیل خواهان اخطاریه ابلاغ نموده است. در جلسه دادرسی وکیل خواهان اظهار داشته که خواسته به شرح دادخواست تقدیمی دست و خوانده محترم به پرداخت مهریه در حق موکل محکوم شده است.

خوانده اظهار داشته جشن عروسی گرفته ام و مهریه اش را مطالبه نموده و قسطی شده است و من قبلاً خانه تهیه کرده بودم ولی حاضر بازگشت نشد و الان خانه ندارم. یکی از دلایل دادخواست دادنامه شماره ۸۴/۲/۱۴-۳-۶۵۱/۱۸۵ موضوع کلاس پرونده

۳۳۸۸-۸۴ شعبه اول حقوقی می باشد مفاد دادنامه فوق الذکر: خواهان دادخواستی به ظرفیت خوانده به خواسته مطالبه نفقه معوقه از تاریخ ۸۳/۴/۱۰ لغایت ۸۴/۹/۱۰ را ارائه نموده و دادگاه با توجه به محتویات پرونده به استناد مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۹۳-۱۱۰۶-۱۱۱۱-۱۲۰۶ ق.م و ۵۱۵ ق.آ.م خوانده را به پرداخت نفقه معوقه از تاریخ ۸۳/۴/۱۰ لغایت

۸۴/۹/۱۰ ماهیانه سی هزار تومان و نفقه جاریه ماهیانه ۵۰ هزار تومان و پرداخت هزینه

دادرسی در حق خواهان محکوم می نماید.

دادگاه در مورخه ۸۵/۵/۲۳ با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به

صدور رای می نماید.

شماره دادنامه : ۸۵/۵/۲۵-۲۱۳۳/۴۱۵

رای دادگاه: در خصوص دعوی مهناز هراتی بوکالت آقای حسن بیاتی به طرفیت حبیب اله

عین آبادی بخواسته تعیین تکلیف (برگزاری مجلس عروسی) تهیه منزل و اثاث البسیت،

وکیل خواهان توضیح داده که خواهان در تاریخ ۸۳/۴/۱۰ با خواننده ازدواج نموده است و از

همان زمان تا کنون در خانه پدری بلاتکلیف و سرگردان می باشد خواننده اظهار داشته:

جشن عروسی گرفته ام- همسرم مهریه اش را مطالبه کرده و قسطی شده است. دادگاه با

توجه به مراتب فوق باستناد مواد ۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۶-۱۱۱۱ قانون مدنی خواننده را به تهیه

منزل مستقل و اثاث است در حد نیاز در حق خواهان محکوم نموده است. رای صادر

حضوری بوده و ظرف ۲۰ پس از ابلاغ توسط طرفین قابل تجدید نظر خواهی قرار نگرفته

لذا رای قطعی شده است و خواهان کتباً تقاضای صدور اجرائیه را نموده است و اجرائیه

صادر شده است.

ا. و. م. استناد کند چون گواهی گواهان موثر در اثبات دعوا بوده مطالعه ماده ۲۲۹ ق. آ.

د.م.

نظریه کارآموز: نظر به اینکه در این پرونده خواهان مدعی است که او را بلا تکلیف گذاشته و در خانه پدری به سر می برد و خواننده مدعی است که مراسم عروسی گرفته و به خانه زناشویی خودش برده. بهترین طریق برای اثبات دعوی گواهی گواهان می باشد که دادگاه می تواند با استناد به ماده ۲۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی از طرفین بالأخص از خواهان بخواهد که گواهان خود را معرفی در دادگاه حاضر نماید و به خواننده هم تفهیم می شد که اگر گواهان معارضی دارد در دادگاه حاضر نماید.

کلاس پرونده: ۳۳۷۶/۸۵ ح ۱ شعبه اول حقوقی دادگستری نیشابور

خواهانها: خانم ح - ا و غیره

خواننده: اداره ثبت احوال نیشابور

خواسته: اثبات نسب

خواهانها در دادخواست اظهار نموده اند که اینجانبان به موجب مدارک پیوستی همسر

شرعی هستیم مورخه ۶۵/۲/۲۵ به موجب عقدنامه عادی با یکدیگر ازدواج نموده ایم

حاصل زندگی سه فرزند مشترک با نامهای علیرضا، حسین و زهرا می باشد و خواهان

ردیف دوم افغانی می باشد لذا تقاضای صدور حکم اثبات نسب خواهانها و هزینه دادرسی

را نموده اند.

در استشهادیه محلی بیان شده که محمد تاجیک حاضر شده یک باب منزل خود را در روستای شیخان به عنوان قبالة (مهریه) به همسر خودش (حلیمه اسفندیاری) بدهد و خانم اسفندیاری قبول نموده که با همین قرار داد همسر دائمی محمد تاجیک باشد. که اثر انگشت خواهان ها مورد گواهی شورای محل قرار گرفته است.

خواهانها به علت عدم تمکن مالی احراز استحقاق خواهانها مبنی بر برخورداری از وکیل معاضدتی به نظر کمیسیون رسیده و کمیسیون این امر را تایید نموده و آقای محمد معدنچی بعنوان وکیل معاضدتی خواهانها معرفی شده است.

لایحه وکیل خواهان: موکلین بیان داشته اند که به حکایت اسناد پیوست دادخواست با یکدیگر ازدواج نموده و حاصل زندگی ۴ فرزند مشترک بوده است و تقاضای اخذ شناسنامه ۳ فرزند را دارند. توجهتاً به محرز بودن نسب آنها با عنایت به شهادت شهود و ایضاح تولد فرزندان از خواهانها تقاضای صدور حکم وفق خواسته خواهانها را دارد. ضمناً برابر مقررات قانون مدنی متولدین از خواهانها دارای تابعیت ایران هستند و ایرانی محسوب می شود و برابر مقررات بجای داشتن شناسنامه حق هر ایرانی است.

لایحه اداره ثبت احوال نیشابور: صدور شناسنامه برابر ماده ۱ قانون بت احوال از وظایف ذاتی این اداره است مشروط بر اینکه مدارک مورد نیاز جهت صدور شناسنامه که قانونگذار تعیین نموده توسط مراجعین فراهم و ارائه گردد با عنایت به اینکه خواهان پرونده حاضر فردی غیر ایرانی و افغانی است لذا فرزند وی افغانی است و صدور شناسنامه فرع بر قانون و مسئله تابعیت است که ابتدا باید تابعیت ایرانی پدر تحصیل و سپس نسبت به صدور

شناسنامه فرزندش اقدام نماید. ثانیاً همانگونه که خواهان خود اقرار دارد که حدود ۳۰ سال قبل بصورت غیر قانونی وارد ایرانی شده و به صورت غیر قانونی با زن ایرانی ازدواج نموده به صورت غیر قانونی و غیر مجاز در ایران سکونت داشته و صدور شناسنامه نیز جهت فرزندان زنان ایرانی که به قید ازدواج غیر ایرانی در می آیند برابر مقررات جاری مخصوصاً بند ۴ مصوبه شاکلی به شماره ۴۶۸۹۴/ارد/ه/س که برابر رای شماره ۳۴ ۷۹/۱۱/۱۴ هیات عمومی دیوان عدالت اداری مغایرت قانونی ندارد ممنوع است. حکم رد دعوی محمد تاجیک و همسرش را خواستار شده است.

در جلسه دادرسی در مورخه ۸۵/۸/۶ تشکیل شد و کلی خواهان و خوانده حضور دارد و خواهان اظهار می دارد که برابر عقدنامه عادی با خوانده ازدواج نموده ام و دارای چهار فرزند هستیم و تقاضای صدور شناسنامه را دارم و خوانده عرض ندارم و لایحه ای ارسال نموده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را دارد و مبادرت به صدور رای می نماید.

شماره دادنامه: ۸۶۸۳۵۵۵-۸۵/۸/۱۰

رای دادگاه
در خصوص دعوی خانم ملیحه اسفندیاری فرزند عباس و آقای محمد تاجیک به طرفیت ثبت احوال شهرستان نیشابور به خواسته اثبات مناسب و در نهایت صدور شناسنامه برای فرزندان مشترک نظر به اینکه آقای محمد تاجیک افغانی می باشد و صدور شناسنامه مشکل غیر قانونی دارد دعوی را در وضعیت فعلی وارد نداشته و به استناد ماده ۱۲۵۷ ق.م. حکم

به رد دعوی خواهانها رای صادره ظرف بیست روز قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان می باشد.

نظریه کارآموز:

طبق ماده ۱۰۶۰ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت می باشد چون در این پرونده زن ایرانی بدون اجازه دولت با تبعه خارجی ازدواج نموده لذا دادگاه حکم به رد دعوی خواهان را صادر نموده است. از طرفی فرزندان خواهانها بعد از رسیدن به ۱۸ سال تمام می توانند طبق بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تبعه ایران محسوب می شوند می توانند تقاضای صدور شناسنامه را بکنند.

در رای که دادرسی شعبه اول دادرسی انشا نموده مشخص نشده که رای دادگاه حضوری است یا غیابی و این امر به علت تراکم زیاد پرونده ها در دادگاه خانواده می باشد.

کلاس پرونده ۱۱۵/۸۵ ح ۱ شعبه اول حقوقی دادگستری نیشابور

خواهان: خانم ز- ف

خوانده: آقای م- د

خواسته: استرداد جهیزیه

خواهان در دادخواست خود صدور حکم به استرداد جهیزیه طبق لیست پیوست مقوم به سیصد هزار تومان به انضمام هزینه دادرسی ابتدا صدور قرار تامین خواسته را نموده است. خواهان برابر سند ازدواج در مورخه ۷۹/۱۱/۳۰ در دفتر رسمی ثبت ازدواج شماره ۳۸ حوزه نیشابور به عقد دائم خوانده در آمده است.

حالیه با توجه به اینکه خوانده هیچ گونه سازگاری با خواهان نداشته و جهیزیه خواهان در معرض تضییع و تفریط قرار دارد ضمن استرداد جهیزیه به منظور جلوگیری از انتقال و حین دلیل جهیزیه وفق بند ب ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای صدور قرار تامین خواسته را نموده است. دلایل و منضمات دادخواست: فتوکپی مصدق سند ازدواج ۲-

فتوکپی لیست جهیزیه

رئیس دادگستری پس از ملاحظه پرونده جهت رسیدگی به شعبه اول حقوقی ارجاع نموده است.

دادرس شعبه اول حقوقی قبل از رسیدگی *** با استناد به مادتين ۲۰۲ و ۳۰۹ قانون تجارت شق ۳ از ماده ۲۲۵ قانون آ.د.م قرار تامین خواسته معادل مبلغ جهیزیه از اموال خوانده طبق لیست صورت جهیزیه تا پایان رسیدگی صادر و اعلام داشته هزینه اجرای قرار به عهده خواهان قرار پس از ابلاغ قابل اجرا و ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در همین دادگاه می باشد. اعتراضی از طرف خوانده نسبت به قرار صورت نگرفته است.

قرار توسط اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا گذاشته شده و در اجرای ماده ۱۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۵۶/۷/۱ و بند ط از ماده ۸ نیروی انتظامی مصوب ۶۹/۶/۲۷ و

ماده ۲۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ دو رونوشت قرار تامین صادره از شعبه یک حقوقی دادگاه عمومی نیشابور ارسال تا اقدامات قانونی با همکاری خواهان به شرح ترتیب ذیل بصورت دقیق انجام و نتیجه گزارش شود. ۱- جهیزیه برابر سیاهه مصدق پیوست یک به یک از خواننده تحویل و توقیف گردد.

۲- اموال توفیق شده نزد حافظ اموال مرضی الطرفین یا فرد قابل اعتماد به امانت گذاشته شود و رونوشت صورت اموال به حافظ تحویل و رسید از وی اخذ گردد و به حافظ اموال تفهیم گردد.

این امر توسط مامور اجرا و خواهان و پدر خواهان ناظر به حافظ (آقای محمد علی محمدی) تحویل داده شد و تعداد چهار قلم از وسایل کسر بود و در برگ صورت مجلس توضیح داده شده است.

بعد از اجرای قرار تامین خواسته: دفتر دقت رسیدگی را ۸۵/۴/۲۴ تعیین نموده و به طرفین ابلاغ نموده است. در این مرحله از دادرسی خانم فرزانه قربانی و کلا نامه خود را از طرف خواننده به دادگاه اعلام نموده است.

در وقت مقرر فوق: خواهان حضور ندارد و ملاحظه شده که نتیجه ابلاغ احضاریه به خواهان و اصل نگردیده ضمناً خانم فرزانه قربانی به عنوان وکیل خواننده حضور دارد لذا پرونده معد رسیدگی نیست و به دفتر اعاده شده و دفتر رسیدگی را مورخه ۸۵/۶/۱۴ تعیین نموده است و به وکیل خواننده و خواهان احضاریه ابلاغ شده است.

در مورخه ۸۵/۵/۵ ستواندوم بکائیان جهت ابلاغ احضاریه خواهان به محل عزیمت نموده در حالی که در آدرس قید شده در دادخواست شخصی به این نام وجود نداشته لذا دو برگ اخطاریه به دفتر شعبه اول عودت گشته است.

در جلسه مقرر دادگاه تشکیل شده خوانده وکیل خوانده حضور ندارند با وصف اینکه وقت رسیدگی فوق اندکی حضوراً به وکیل خوانده ابلاغ شده است خواهان حضور دارد و اظهار نموده که دعوی اینجانب به شرح متن دادخواست تقدیمی می باشد.

دادگاه تخلف وکیل خوانده را به مرکز کانون مشاوران حقوقی اعلام نموده است و از طرفی وکیل خوانده به دادگاه طبق اظهاریه کتبی مبنی بر اینکه به علت بیماری که گواهی آن به

رویت مرکز مشاوران حقوقی و تسلیم ایشان گردیده است قادر به حضور در جلسه دادرسی مورخه ۸۵/۶/۱۴ نگردیده است. در آن مرحله دادرسی حکم به نفع خواهان صادر شده است.

در مورخه ۸۵/۶/۱۴ دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۸۵/۷/۹-۲۹۳۷/۱۳۲

رای دادگاه

در خصوص دادخواهی زهره فولادی فرزند محمد به طرفیت مرتضی دهجوریان فرزند ابصلت با وکالت خانم قربانی به خواسته استرداد جهیزیه طبق لیست پیوست پرونده مقدم به سیصد و ده هزار تومان به انضمام هزینه دادرسی به شرح متن دادخواست تقدیمی دادگاه

با عنایت به مستند خواهان و احراز وجود علقه زوجیت بین طرفین و اینکه اقلام جهیزیه در اول ازدواج به عنوان عاریه در اختیار زوجه اجازه استیفاء منافع به زوج داده و زوج و وکیل وی در جلسه دادرسی حضور نیافته اند و لایحه ای ارسال ننموده و خواسته خواهان مصون

از اعتراض باقیمانده است. بنابراین خواسته خواهان را وارد تشخیص و به استناد مادتين ۳۰ و ۶۳۷ ق.م و مادتين ۵۱۵ و ۵۹ ق.آ.د.م حکم به استرداد جهیزیه طبق لیست پیوست پرونده صادر و خوانده را به پرداخت هزینه دادرسی که در اجرای احکام مدنی محاسبه می شود در حق خواهان محکوم می نماید حکم صادره حضوری است و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ در محاکم تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی قابل اعتراض می باشد. در تاریخ

۱۸/۸/۱ به علت عدم حضور زهره فولادی در برگ دادنامه به رویت شوهر خواهرش به نام محمد لطفی رسید و ملتزم گردیده که به رویت خواهر خانمش برساند.

پس از قطعی شدن حکم دادگاه بدوی خواهان تقاضای صدور اجرائیه نموده است لذا دادگاه برگ اجرائیه را صادر و اعلام نموده است.

نظریه کارآموز:

اول اینکه قرار تامین خواسته که توسط دادرسی شعبه اول حقوقی صادر شده در برگهای چاپی سالهای قبل بوده که به ماده ۲۰۲ و ۳۰۹ قانون تجارت بند ۳ ماده ۲۲۵ ق.آ.د.م قدیم استناد شده در حالی که ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی راجع به قرار تامین خواسته می باشد و از طرفی بند ۳ ماده ۲۲۵ ق.آ.د.م قدیم راجع به موردی که خواهان خسارتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد می باشد در حالی

که در این پرونده خواسته (جهیزیه) مورد تضييع و تفریط قرار گرفته است با توجه به نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضایه شماره ۱۳۷۹/۱۲/۱۷-۷/۱۲۵۳۳ روزنامه رسمی شماره ۱۳۸۱/۲/۷-۱۶۶۴۸ در صورتی که خواسته خواهان طبق بند ب یا سند دعوی از مصادیق

بندهای الف و ج ماده ۱۰۸ باشد دادگاه بدون تودیع خسارت احتمالی درخواست تامین خواسته را بپذیرد. لذا دادگاه بهتر بوده به بند ۳ ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی جدید استناد می کرد.